طرح و اجرای نقش

در

کاشیکاری ایران

دوره‌ی اسلامی

دفتر اوّل خط بنائی

تحقیق و تألیف : محمود ماهرالنقش

عکاسی : کامران عدل و محمود ماهرالنقش

خوشنویسی : یدالله کابلی

ویرایش و صفحه آرایی : کلود کرباسی

ترسیم نقش‌ها : محمود و جلال ماهرالنقش

چاپ و صحافی : شرکت اُفست (سهامی عام) تهران



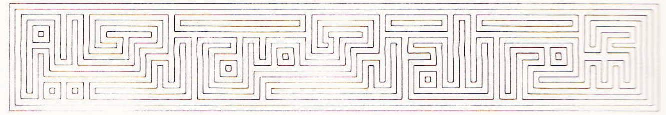
وزارت ارشاد اسلامی

ادارهٔ کل موزه‌ها



از انتشارات موزه‌ی رضا عباسی

یکهزار و سیصد و شصت و یک هجری شمسی



خطّ و خطّاطی

هنر خط پدیده‌یی‌ست وابسته به‌فرهنگ که در طول تاریخ همبستگی چشمگیری داشته است. خط در زمره‌ی هنرهـای ملی‌ست و در ادوار گوناگون به‌طور یکنواخت خود را نشان نداده بلکه گاهی رو به‌پیشرفت بوده و زمانی درآن ضعف دیده شده‌است، اما انسان‌ها هیچگاه از درگیری با این هنر شانه خالی نکرده‌اند.

سده‌ی نوزدهم یکی از درخشانترین قرون در تاریخ هنر بوده است. در این برهه، هنر خط نیز رونقی به‌سزا یافت. خوشنویسی را در زبان فرانسه «کالیگرافی» (calligraphie) می‌گویند، که دارای ریشه‌ی یونانی‌ست و به‌معنی زیبا نوشتن یا رسم‌کردن طرح‌هایی که به‌وسیله‌ی خط نمایان می‌گردند و علایمی که به‌وسیله‌ی خط کشیده می‌شوند مفهوم می‌گردد.

هنر گرافیك، امـروزه گسترش زیادی پیدا کـرده است و حتـی صنعت‌هایی چون گراورسازی، کلیشه‌سازی و عکاسی را در بر می‌گیرد. خط به‌طور کلی دارای مفهوم‌های متعددست و در اکثر فعالیت‌های هنری، مانند معماری، نقاشی، مجسمه‌سازی، قالی‌بافی، خط‌نویسی و امثالهم، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نقاش با خط به‌نقاشی خود جلوه می‌دهد تا بتواند نظر بیننده را به سوی آن جلب کند. مجسمه‌ساز با خط می‌تواند به‌مجسمه‌ی دلخواه خود شکل ببخشد. در قالی‌بافی اول نقش را باخط روی کاغذ می‌کشند وسپس آن را با نخ و پشم و غیره روی قالی انتقـال می‌دهنـد. در خط‌نویسی بنایی‌هم این خطوط با فرم‌های مختلف روی کاغذ نقش می‌بندند و روی محل کار انتقال پیدا می‌کنند. این خط در کارهای هندسی و خط‌نویسی ممکن است حصار کار باشد و پیرامون قطعه‌یی را مشخص سازد، یا ممکن است همین خط نقش اصلی زمینه‌ی کار باشد، و تصویر یا نوشته‌یی را به‌وجود آورد.

خطوط به‌طور ساده بی‌اهمیت می‌نمایند، در حالی‌که مجتمع آنهـا دارای جنبش و تحرك است، یا نمودار اندیشه‌هایی‌ست. حرکاتی‌که به آنها داده می‌شود در یك صفحه جمع می‌گردند تا نظر بیننده را به‌طرف خـود جلب کنند. این جنبش از اندیشه‌ی جـابه‌جـاکننده‌ی خط حاصل می‌شود. یعنی یك هنرمند با اندیشه‌هایی‌که در مغز خود پـرورده است می‌تواند خط‌ها را جابه‌جا کند و نقش مورد علاقه‌ی خود را عرضه بدارد.

خاصیت خط هـرچـه باشد، هـدف آن جنبش و حـرکت به‌سوی مقصدی‌ست. اما ناگفته نماند که همچنین ابزار و وسایل کار (مـانـند قلم‌مویی، مداد، گچ، رنگ‌های روغنی، آبرنگ) در به‌وجود آمدن این خطوط نقش مهمی دارند. مهارت و استادی خالق نقش‌هم در کار بسیار مهم است. هرکسی با این وسایل و ابزارهای کار نمی‌تواند نقش مورد علاقه‌ی عامه را به‌وجود آورد. چون اگر مقداری ازاین رنگها را روی بوم نقاشی به‌طور درهم پهلوی یکدیگر بریزیم هیچ مفهومی از نتیجه‌ی کار به‌ذهن بیننده متبادر نمی‌شود. اما یك نقاش با همین رنگهای درهم ریخته به‌اتکای مهارت و علاقه‌ی مخصوص به‌خود می‌تواند یك نقش زیبا خلق کند.

خطوط از نظر برداشت تماشاگر یکسان نیستند بلکه نزد افراد به طور متفاوت تعبیر می‌شوند. نازکی و کلفتی خط در زیبایی آن اثر دارد. خطوط گاهی خشن به‌نظر می‌رسند و گاهی ظریف، گاهی قوی می‌نمایند و زمانی ضعیف. در اینجاست که باید گفت، هنرمند می‌تواند درك کند در کدام قسمت از چه خطی استفاده کند. چون یك نقاش درك آن را دارد که خطوط را به‌طور افقی، عمودی، مایل، منحنی، نازك، کلفت، قوی یا ضعیف رسم‌کند تا نقش دلخواه حاصل شود. هریك از این خطوط احساس ویژه‌یی در بیننده ایجاد می‌کند. می‌توان گفت که خط‌های عمودی توجه بیننده را به‌سوی بالا می‌برند و خطـوط افقـی آرام‌بخش چشم هستند: خطوط مایل تحرك ایجاد می‌کنند و خطوط منحنی نوعی تحسین در بیننده برمی‌انگیزند.

در خط همه‌گونه تنوع می‌توان ایجاد کرد. این تنوع در دید افراد به‌طور متفاوت و مختلف نمایان می‌شود. هرنقش می‌تواند به‌خودی‌خود هربیننده‌یی را جذب کند و در روح و مغز او اثر بگذارد. این بیننده گاهی از دیدن نقش آرامش روحی پیدا می‌کند و گاهی برعکس به‌هیجان درمی‌آید؛ زمانی درنظر او خطوط هماهنگ هستند وگاهی به‌هیچ‌وجه هم‌آهنگی ندارند؛ بعضی‌اوقات رنگها باهم تناسب دارند وگاهی ندارند. و جمع تمام اینهاست که روحیه‌ی بیننده را تغییر می‌دهد. با یك خط مورب می‌توان تعادل خطوط افقی و عمودی را برهم زد و احساس‌حرکت و جنبش پدید آورد. برای ایجاد حالتی دراماتیك، خطوط مورب را به‌هم می‌ریزند و خطوطی جناقی یا «زیگزاگ» به‌وجود می‌آورند. این خطوط ممکن است ادامه یابند یا متقاطع باشند. در اینجاست که بیننده ممکن است درعین‌مشاهده‌ی‌خطوطی‌شکسته احساس ادامه‌ی‌حرکت‌آنهارا بکند. هنرمند، ضمن حفظ هم‌آهنگی، می‌تواند به‌قصد ایجاد و تنوع در اثرش از دو یا چند نوع خط استفاده کند. در اماکن متبرکه، برای یادآوری وظایف دینی و اخلاقی یا تبلیغ‌های مذهبی و غیره، خطوطی به‌عربی و فارسی (با توجه به‌هم‌شکل‌بودن حروف عربی و فارسی) به‌طریقه‌ی تزیینی نوشته‌اند، و این نوشته‌ها در کنار گل و بته یا درهم یا با اتصال به‌یکدیگر برای زیبایی بنا به‌دست هنرمندان ساخته و پرداخته شده‌اند. در این نوشته‌ها به‌طورکلی مفهوم خط موردنظرست نه‌گل و بته. این تزیینات از خط‌های مختلفی مانند ثلث، کوفی و دیگر خط‌های بنایی تشکیل شده‌اند. کلماتی که در اماکن متبرکه نوشته شده‌اند معمولا از کلمات مقدس مانند الله، محمد (ص)، رسول، و آیاتی از قرآن مجید و اشعاری از فارسی که جنبه‌ی اخلاقی و مذهبی دارند تشکیل شده‌اند.

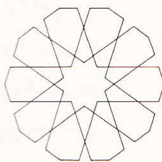
این کلمات را به‌طرق متفاوت و متنوع در جاهای مختلف به‌کار برده‌اند. این کلمات را، با اینکه از نظر اسمی و معنایی یکسان هستند، هنرمندان به‌طور جداگانه نسبت به‌موقعیت زمینه‌ی نقش به‌طریقی نوشته‌اند که نظر هربیننده‌یی را به‌طرف خود جلب می‌کند. این خطوط، بااینکه به‌صورت ساده به‌کار رفته‌اند، جلوه‌های هنری هستندکه در زمان خود با فکر و علاقه‌ی خاص یك هنرمند خلق شده‌اند. اگر در متن کتاب توجه شود به‌راحتی می‌توان کلمات را باهم مقایسه کرد و هنر هنرمند را ستود. در هنر خط‌نویسی، مخصوصاً خط بنایی، کلمات به‌طور ساده، عمودی، افقی، مایل و غیره به‌کار رفته‌اند. همان‌طور که در بالا گفته شد، خلاقیت یك هنرمند می‌توانسته این کار را بکند و خط را در زمینه‌ی مخصوص به‌خود جای دهد، که امروزه پس‌از گذشت قرنها می‌تواند نظر هنرمندان را به‌خود جلب کند و آرامشی در روح هربیننده پدید آورد.

ممکن است بین خط‌کوفی و خطوط دیگر تناسبی به‌نظر نرسد، ولی وقتی از نظر فلسفه و چگونگی ایجاد خط به‌طور اعم ولی از نظر اختراع و نوشته‌های آن به‌طور اخص دقت کافی بشود، معلوم می‌گردد که خط کوفی در تزیین بناها و سایر آثار باستانی و تاریخی و هنری نقش مهمی را به‌عهده دارد و نمایانگر هنر خط‌نویسی و تزیین کارست.

طبق نوشته‌های کتاب راهنمای صنایع اسلامی، خوش‌نویسی یا خط‌نویسی در دوره‌های اولیه‌ی اسلامی بین مردم شایع بوده و توجه خاصی نسبت به‌آن می‌شده است. خط عربی به‌دوطریق نوشته می‌شود: یکی زاویه‌دار که معروف به‌خط کوفی زاویه‌دار یا خط کوفی گوشه‌دارست و به‌استناد نوشته‌های کتاب مزبور مدت پانصد سال برای کتابت قرآن کریم یا کتیبه‌نویسی از این خط استفاده می‌شد. در قرن سوم هجری، در دوره‌ی عباسی، آیه‌های قرآن را با این خط روی پوست می‌نوشتند. مؤلف کتاب مزبور می‌گوید، «مسلمانان ایران خط و تذهیب را از اعراب اقتباس‌کردند». درقرن یازدهم و دوازدهم خط کوفی در ایران به‌حد رشد خود رسید و در بیشتر ساختمان‌ها در کاشی‌کاری و گچ‌بری و کنده‌کاری روی چوب از آن استفاده می‌کردند.

در کتاب «تاریخ‌ادبیات در ایران» نفوذ خط‌عربی در ایران و به‌کار بردن خط کوفی را از زمانی می‌دانندکه اعراب با سپاهیان خود در ایران نفوذ پیدا کردند. خط عربی در دوره‌ی اسلام معمول بوده و از دو قوم گرفته شده است. اول از قوم معروف نبطی در حوران و دوم از سریانیان از طریق حیره (نزدیك کوفه). هردو خط از خطوط سامی و برای اعراب قابل تقلید بودند. اولی خط نسخ و دومی خط کوفی شد.

از نوشته‌ها مشهود می‌گردد که خط کوفی قبل‌از اسلام‌هم رواج داشته است. این خط چون زمانی در کوفه به‌حد اعلای رشد خود رسید، آن را به‌نام‌کوفی مشهور کردند، ولی در اصل این خط کوفی نبوده است.



خط بنّائی

هنر خطاطی به‌صورتی‌که در بناهای اسلامی به‌کار گرفته شده، از عوامل مهم تزیین معماری‌ست که به‌طرق مختلف بیانگر ندای الهی و کلام بزرگان می‌باشد و رجوعی‌پیوسته به‌وجود خدای‌یکتا و رهنمودهای پیامبر اسلام و دیگر بزرگان دین و ادب فراهم می‌کند.

در این کتاب به‌خط بنایی می‌پردازیم، که شامل خط ساقه گنبدی، خط ساده‌ی متن، خط معقلی و دیگر خطوط متداول در تزیین معماری اسلامی‌ست. این نوشته‌ها به‌شکل رسم‌هایی زیبا و در رنگ‌هایی موزون جلوه‌گر می‌شوند که گاهی سطوح درونی و بیرونی بنا را زینت می‌بخشند، گاهی به‌سان گل‌وبته به‌سراپای مناره‌ها می‌پیچند، گاهی برساقه‌ی گنبد می‌نشینند، و گاهی نیز بخش شلجمی شکل گنبد را در بر می‌گیرند و منادی دین و آرام‌بخش روح می‌شوند.

خط بنایی در ترکیب با رویه‌های رنگارنگ کاشیکاری خود نمایی می‌کند و به‌یکجا از ذوق هنرمندان و اندیشه‌ی بزرگان مذهب و ادب حکایت دارد. شکوه این شیوه‌ی خطاطی را می‌توان در محراب مسجدها، در ایوان‌ها (درون‌سوسن‌های زیرمقرنس‌ها، به‌شکل مربع، لوزی، موج ودیگر شکل‌های هندسی)، برنماها، بر ساقه‌ی گنبدها، برروی گنبدها و بردیگر دیوارها و سقف‌های ابنیه‌ی متبرکه مشاهده کرد.

خط بنایی، که در حقیقت باید بدان خط کوفی زاویه‌دار اطلاق کرد، از ترسیم اشکال هندسی (مربع، لوزی، مربع مستطیل، خطوط موازی ومتقاطع) حاصل می‌شود و در آن دقت وافر به‌کار می‌رود. نمونه‌های آن از سده‌ی ششم هجری به‌این سو، خاصه در زمان‌های فرمانروایی تیموریان و صفویان، در ابنیه ومساجد اصفهان، یزد و شهرهای مختلف خراسان، و همچنین در بعضی ممالك همجوار پرداخته شده‌اند. هم‌اکنون نیز به‌استادانی برمی‌خوریم که از این هنر بهره دارند و گاهی در تزیین بناها از این شیوه کمك می‌گیرند.

خط بنایی را بعضی از محققین در زمره‌ی معقلی می‌دانند و معتقدند که کلمه‌ی معقلی بدین‌معنی‌ست که جای تأمل است و باید با دقت و فرصت کافی به‌خواندن خط بنایی پرداخت، در صورتی‌که برای کلمه‌ی معقلی در واژه‌نامه‌ها مدخلی نیامده و به‌هر کتاب لغتی که مراجعه کردیم نتوانستیم معنایی برای آن پیداکنیم. لیکن وقتی مطلب را بااهل فن در میان گذاشتیم اظهار داشتند که اصولاً در کاشی‌کاری ایران نوعی نماسازی وجود دارد که به‌نام معقلی معروف گشته و آن عبارت است از مربع‌ها یا لوزی‌هایی که درکنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا نقشه‌ی دلخواه به‌دست آید.

معقلی شاید ساده‌ترین کار در کاشیکاری ایران باشد. همین اهل فن معتقدند که این روش کاشیکاری به‌قدری ساده است که می‌توان، پس‌از تهیه‌ی نقشه و تراشیدن و آماده‌کردن کاشی‌ها، آنها را به‌دست شاگردان تازه‌کار سپرد تا کنار یکدیگر قرار دهند و نقش مطلوب را پدید آورند.

در مقابل، خط بنایی بسیار مشکل است و حتی استادان قدیمی‌کمتر پیدا می‌شوند که از این هنر بهره داشته باشند و بتوانند، به‌پشتوانه‌ی تجربه و تبحری که در طی عمری کاشی‌تراشی اندوخته‌اند، خط بنایی نفیسی ارایه کنند.

همان‌طور که گفتیم، خط بنایی همان خط کوفی زاویه‌دارست که زمانی در کوفه رواج داشت و بعد در زمان اسلام در گچ‌بری و آجرکاری

و کاشی‌تراشی به‌خدمت هنر درآمد و در تزیین مکان‌های مختلف به‌کار گرفته شد.

خط کوفی زاویه‌دار از همان کوفی اولیه مشتق می‌شود، که بدین شکل تزیینی در کاشی‌کاری به‌کار رفت و همانطور که در نمـای بناها مشاهده می‌کنیم، هنرمندان به‌فراخور ذوق و فرصت خـود آنـرا به زیباترین وجه در مکان‌های مختلف و مناسب ارایه کرده‌اند.

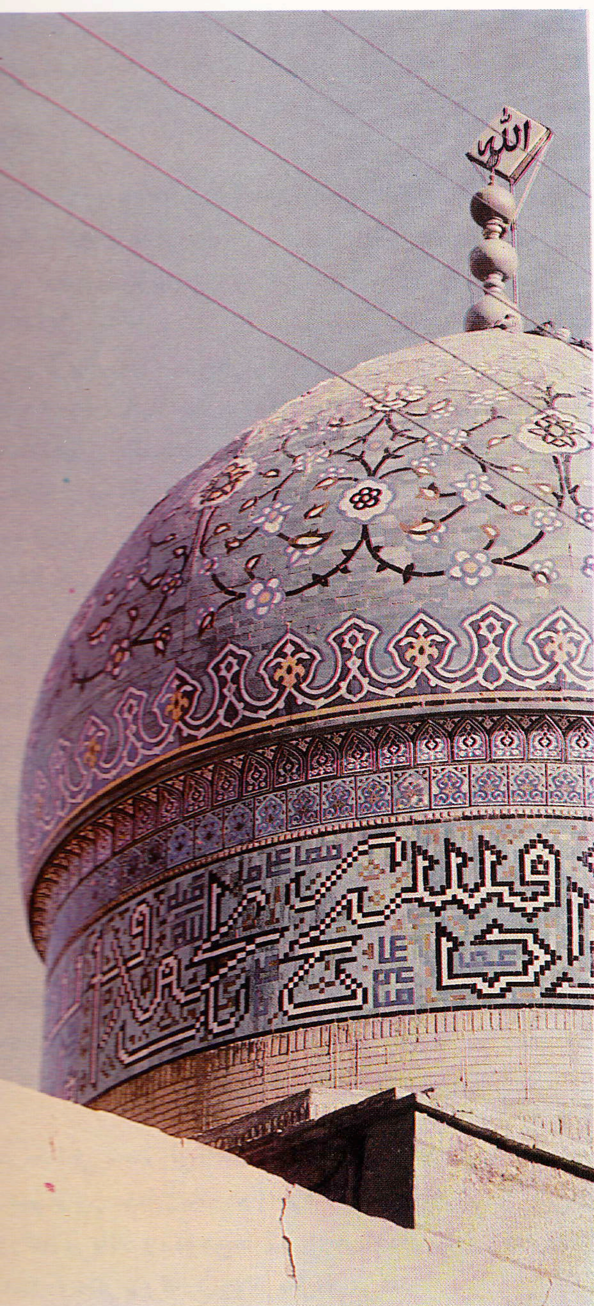
خط بنایی به‌طور معمول سوره یا آیه‌یی از قرآن و گاهی حدیث یا ابیاتی از ارباب ادب را در زمینه‌یی هندسی در بر می‌گیرد، که خطوط متشکله‌ی آنرا می‌توان از نظر حرکت حروف و شیوه‌ی تزیینشان به‌چند دسته تقسیم کـرد: خط ساقه‌گنبدی، خط ساده، خط متداخل و خط معقلی.

خط ساقه‌گنبدی در دیواره‌ی عمودی زیر گنبد، یا همان ساقه، که بخشی‌ست از یك استوانه‌ی دوّار، نوشته می‌شود.

ساقه‌ی گنبد از کف بام تا گلویی (محل اتمام ساقه و شروع گنبد) امتداد دارد. خطی‌که در تزیین آن به‌کار می‌رود به‌سادگی از تسلسل کلمات تشکیل می‌شود و فقط قسمت‌هایی از هرکلمه تزیین می‌یابند.

عباراتی‌که به‌کار می‌روند به‌طور معمول از کلمات مقدس مانند الله، محمد، علی، یا آیات کوتاه قرآن مجیـد تشکیل می‌گردند. سیر نوشته مستقیم است وانحنایی درحروف دیده نمی‌شود. ترکیب وموقعیت نوشته برساقه‌ی گنبد به‌فراخور ذوق هنرمندان متفاوت است و قاعده‌ی خاصی در ایـن‌بـاره گفته نشده. برای نوشتن این قبیل خط‌ها باید پیرامون ساقه و ارتفاع آن را اندازه گرفت و آیه یا سوره‌یی را که بناست نوشته شود براساس این اندازه‌ها ترکیب کرد.

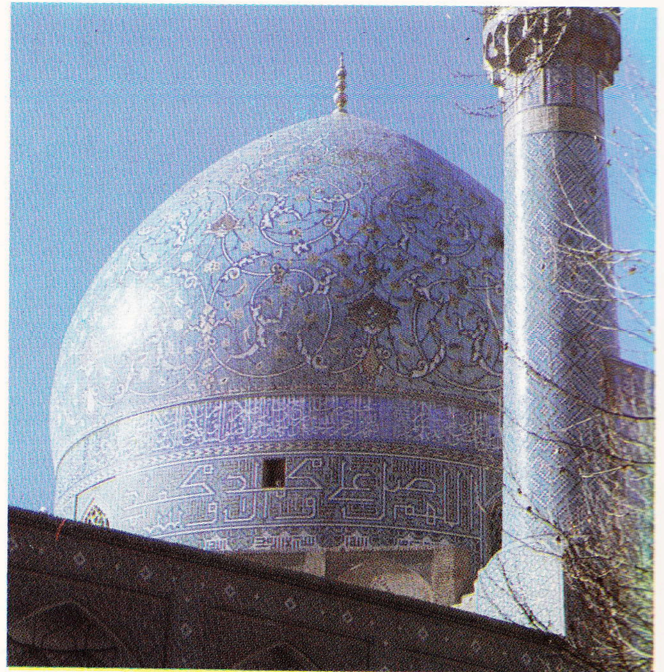
گاهی فقط پیرامون ساقه‌ی گنبد رااندازه‌گیری می‌کنند تا ارتفاع محل خط بعد از نوشتن سوره یا آیه به‌دست آید. ممکن است نوشته‌تمام ارتفاع ساقه‌ی گنبد راپرکند ومحلی خالی باقی نگذارد، اما‌اگر ارتفاع ساقه از عرض نوشته بیشتر باشد می‌توان در بالا یا پایین آن نقش یا خط دیگری قرار داد که سطح ساقه را پرکند، یا می‌توان نوشته را از پایین تا ارتفاع لازم جا داد و بقیه‌ی ساقه را تا محل گلویی مقرنس ساخت (مقرنس به‌حجم‌های هندسی پست‌وبلندی گفته می‌شود که در دل سقف می‌نشینند و زیبایی خاصی به‌بنا می‌بخشند). گاهی‌نیز هنرمندان یك یا دو ردیف سوسن (شکل زیر را ملاحظه کنید) در بالای نوشته قرار می‌دهند و بالای آن را استادانه با شروع قوس گنبد تلفیق می‌کنند.



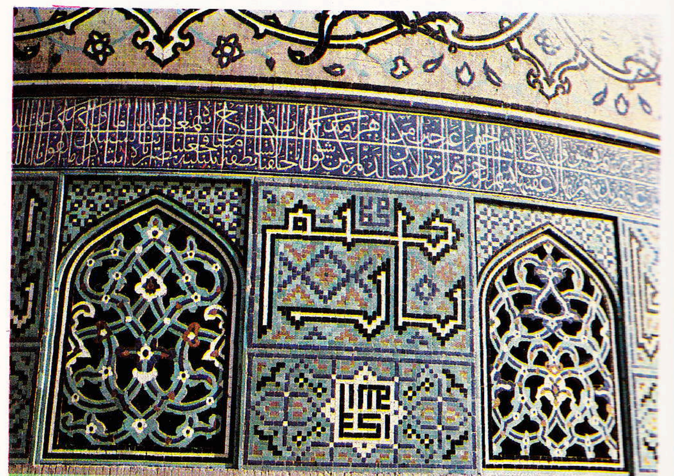
همچنین می‌توان قبل‌از ساختن ساقه‌ی گنبد اندازه‌ی آنرا با نو
مورد نظر مطابقت داد تا ترکیبی هماهنگ بین خط ومحل آن پدید
پس‌از آنکه نوشته جایگزین شد، مابقی زمینـه را با خط
گل‌وبته و شکل‌های هندسی معقلی می‌سازند.

خط ساقه‌گنبدی را می‌توان نقطه‌دار و هم بی‌نقطه‌نوشت و هر
را در محل خود مانند بقیه‌ی نوشته تزیین کرد.

خط ساقه گنبدی معمولا در مربع‌های شطرنجی ترسیم می‌شود و حروف می‌توانند عمودی، افقی یا در زاویه‌های مختلف قرار گیرند. چنانچه حرکت حرف در زاویه‌یی باشد، این حرکت روی مربع‌هایی انجام می‌گیرد که در زمینه‌ی شطرنجی قرار دارند.

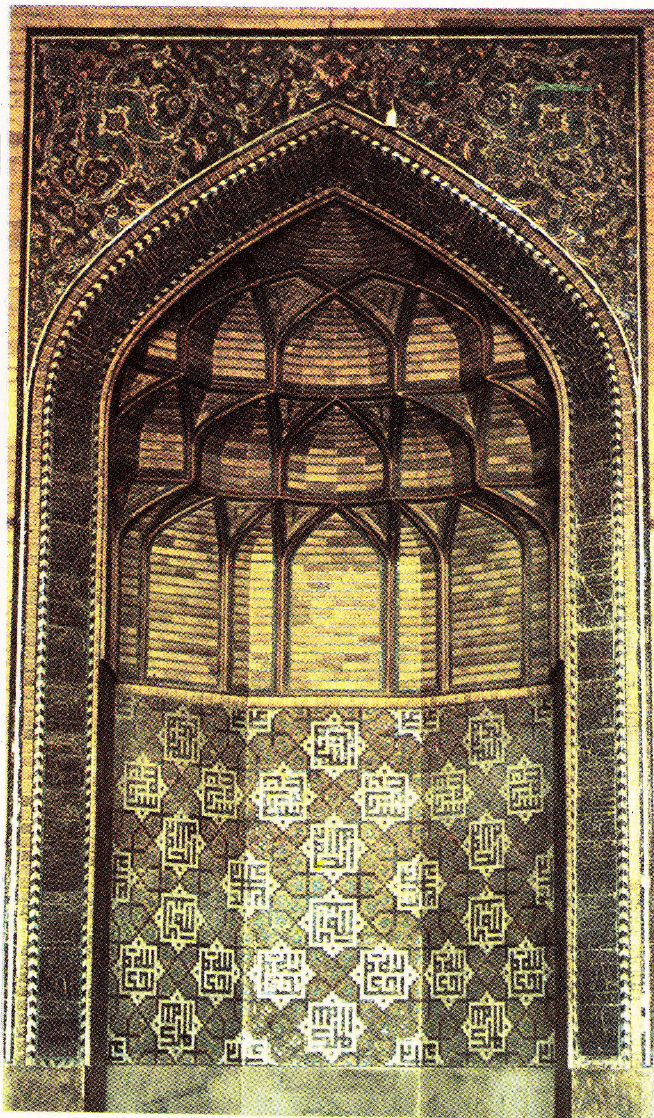


حرکت این قبیل حروف، کلمه را خواناتر و تزیین‌پذیرتر می‌سازد. در پیرامون بعضی از ساقه گنبدها پنجره‌هایی تعبیه شده تا روشنایی داخل شبستان یا زیر گنبد تأمین شود. برای این نوع ساقه گنبدها فاصله‌ی بین پنجره‌ها را محاسبه می‌کنند و کلمات مقدس را به‌وجهی متناسب در این سطوح جا می‌دهند.



خط بنایی متن بر سه قسم است: خط بنایی ساده، خط بنایی مشکل، خط بنایی متداخل.

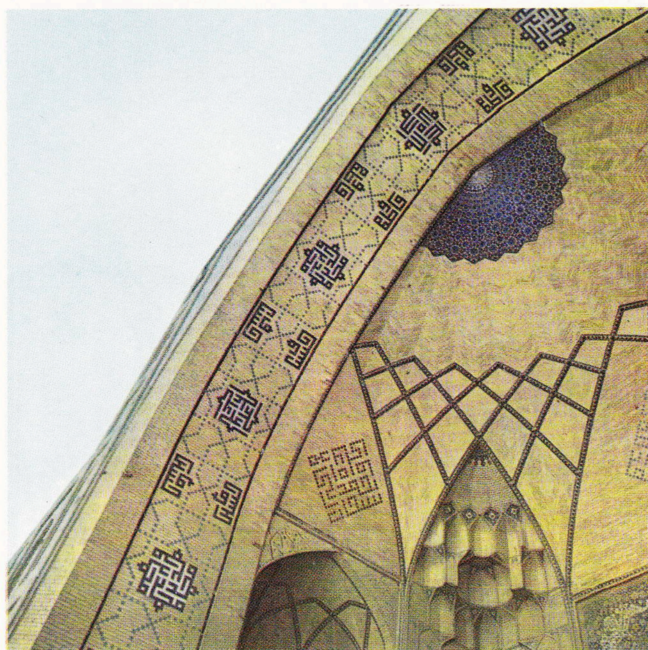
خط بنایی ساده شامل کلمات مقدس مانند الله، محمد و علی می‌باشد، که شکل‌هایی مانند شمسه، نیم‌شمسه، مربع و سایر اشکال هندسی را دربر می‌گیرد، یا اینکه از حرکت دورانی و درهم‌قفل‌شدگی حروف تزیین می‌گردد.



برای ترسیم یك نوشته‌ی ساده، محل اجرای اثر را به‌موازات اضلاعش خط‌کشی می‌کنند تا زمینه‌یی شطرنجی یا مرکب از لوزی‌هایی مرتب به‌دست آید. کلمات را براین شبکه‌ی شطرنجی یا لوزی رسم

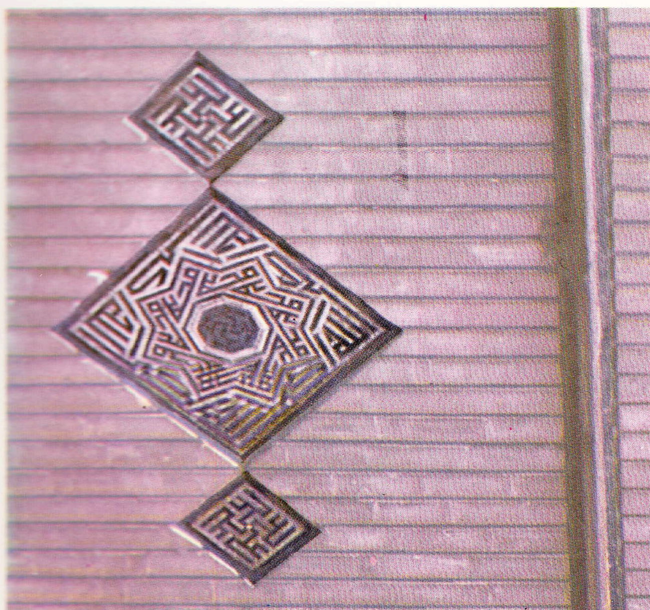
می‌کنند، به‌طوری‌که هیچگاه چهار خانه‌ی خالی از شبکه‌ی شطرنجی پهلوی یکدیگر قرار نگیرند. البته اختیار کشیدن طول حروف به‌تناسب شکلشان با هنرمندست. شکل‌گرفتن کلمات قاعده‌ی کلی ندارد و به‌ذوق هنرمند منوط است.

در خط بنایی ساده کلماتی مانند الله یا اسامی بزرگان دین به‌تنهایی داخل اشکال هندسی ترکیب می‌گردند، و آرایش متداول در این شیوه عبارت است از پیچش یا گردش یا به‌هم قفل‌شدن حروف به‌منظور ایجاد نقش اصلی، همچنان‌که در شکل‌های زیر دیده می‌شود.

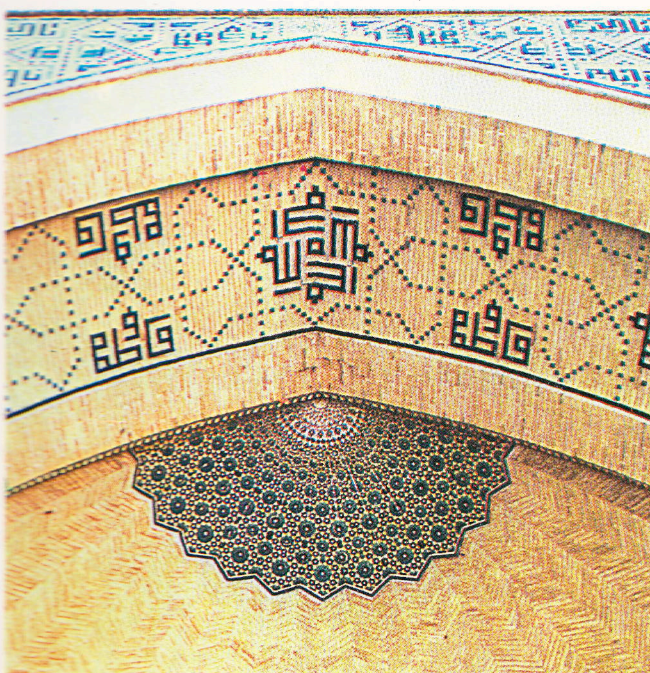


در خط بنایی مشکل از آیات و سورات قرآن کریم یا جمله‌های ادبی و عرفانی استفاده می‌گردد، که به‌مقیاس وسیع در اشکال هندسی جا داده می‌شوند. به‌طورکلی برای ترسیم این نوشته‌ها، درون شکل هندسی برگزیده‌را براساس امتدادهای پیرامونش جدول‌بندی می‌کنند. گاهی ممکن است دو شکل هندسی متفاوت داخل یکدیگر قرار گیرند؛ برای مثال یك شمسه داخل یك مربع واقع شود. در این صورت درون شمسه برای خود جدول‌بندی می‌شود و اطراف آن برمبنای محیط مربع؛ و هرکدام نوشته‌ی مستقلی را در شبکه‌ی درونش می‌پذیرد.

این جدول‌بندی به‌شکل یکسان صورت نمی‌گیرد بلکه به‌نوشته‌یی که برشبکه‌ی آن نقش می‌بندد بستگی دارد. فی‌المثل اگر بناست که نوشته‌ی منتخب در محدوده‌ی یك شمسه گنجانده شود، اضلاع شمسه به‌فراخور عبارت مزبور تقسیم می‌گردند، تا مبنای شبکه به‌دست آید و پایه‌ی استقرار نوشته به‌پیروی از سلیقه‌ی هنرمند قرار گیرد.

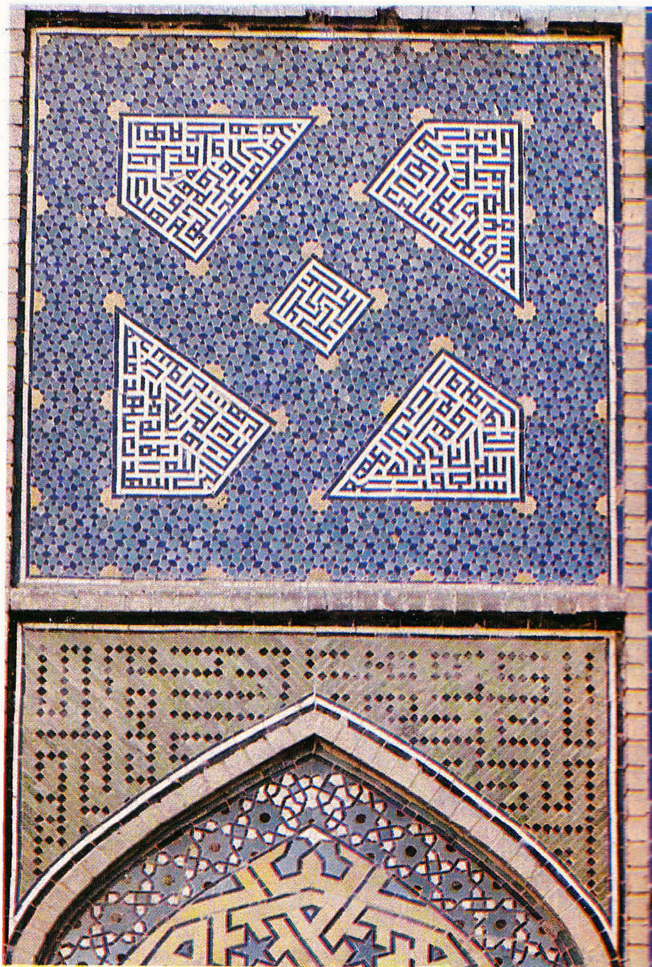


پیرامون حروف تماماً در زاویه‌ی‌قائمه پیش‌می‌رود، و درجایگزینی حروف گاهی لازم می‌آید که اول، وسط یا آخر حرف کشیده شود تا کلمه بتواند جای خود را به‌درستی پر کند.



در بعضی مواقع کلمات به‌راحتی و بدون نیاز به‌کشیدن حروف در محل خود جایگزین می‌شوند. این قبیل نوشته‌ها به‌طور کلی نقطه‌ندارند. همان‌طور که گفتیم این نوشته‌ها شامل اسامی مقدس، آیات قرآن مجید و اشعاری از ادبیات فارسی هستند، و لذا آشنایی با قرآن و ادبیات کمك مؤثری به‌خواندن این قبیل خط بنایی‌ها می‌کند، چون اگر ابتدای جمله یا آیه را پیدا کنیم می‌توانیم تا آخر جمله را بخوانیم و کلمات را یکی پس‌از دیگری در محل خود بیابیم. در این کتاب برای راهنمایی و مشخص نمودن کلمات یا حروف، آنها را به‌شکل گسترده و همرنگ نظایر خود در ترسیم کلی عرضه کرده‌ییم.

در جایی‌که نوشته براساس شکل‌هایی به‌جز مربع و لوزی در نظر گرفته شود، انجام تقسیمات داخل آن مستلزم محاسبات اولیه است. به‌علاوه، در جایی‌که پیرامون محل نوشته شکلی به‌جز شکل‌های متوازی‌الاضلاع داشته باشد، می‌توان تقسیمات را برمبنای اضلاع شکل مزبور به‌سوی مرکز شکل انجام داد.



خط بنایی متداخل ترکیبی‌ست از دو خط بنایی ساده و مشکل. خط بنایی ساده، که کلماتی مانند الله، محمد، علی و امثالهم را در بر می‌گیرد، در سطحی گسترده، براساس قواعدی که قبلا شرحشان رفت، ترسیم می‌شود، اما در اندازه‌یی بزرگتر. سپس درون کلمه، همانند دیگر شکل‌های هندسی، با قاعده‌ی قبلی و اندازه‌های لازم تقسیم می‌گردد و سوره یا آیه‌یی از قرآن کریم در آن نوشته می‌شود.

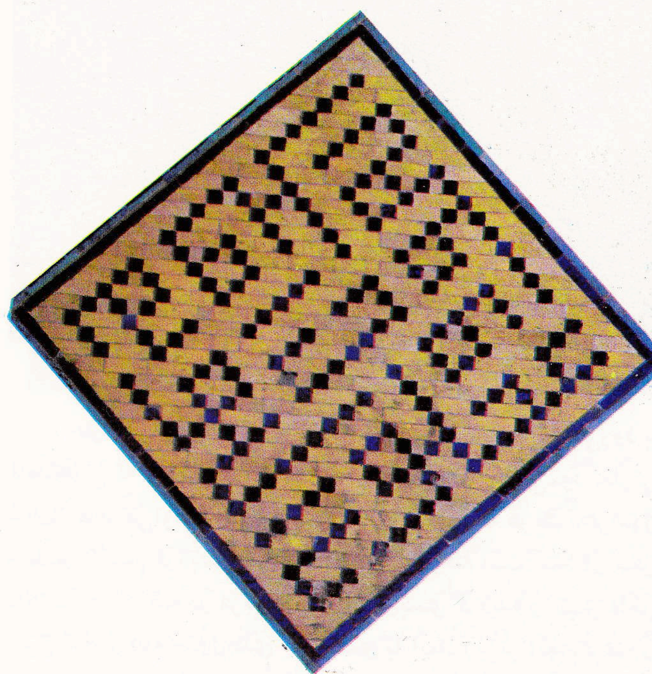


به‌طور کلی قاعده‌یی که در نوشتن این قبیل خطوط به‌کار می‌رود با قاعده‌هایی که در خطوط ساده و مشکل از آنها پیروی می‌شود تفاوتی ندارد. فقط می‌توان گفت، دو شکل متداخل هستند که هریك به‌فراخور وسعتش تقسیم گردیده و نوشته‌یی را در برگرفته است؛ مثلا در شکل بالا که کلمه‌ی الله در مربع اولیه جدول‌بندی گردیده و سپس داخل همین کلمه‌ی الله جدول‌بندی جدیدی با ابعاد ریزتر انجام‌گرفته و سوره‌ی حمد از قرآن مجید داخل آن نوشته شده است.

خط معقّلی در حقیقت همان خط بنایی‌ست که به‌شکل دیگری بر رویه‌های بنا خودنمایی می‌کند. گفتیم که در کاشیکاری ایران نقوشی از آجر یا کاشی یا آجر و کاشی می‌تراشند و آنها را به‌شکل مربع‌ها یا لوزی‌هایی کنار یکدیگر قرار می‌دهند تا نقشی از آنها به‌وجود آید که به‌نام معقّلی معروف است. چون این نقش‌ها از مربع‌ها و لوزی‌هایی به

رنگ‌های متنوع تشکیل شده‌اند، بنابراین رنگ مربع و لوزی‌هایی را که رنگ‌های مشابه دارند از رأس، مماس یکدیگر قرار می‌دهند. اضلاع این اجزاء، که رنگ مشابه دارند، در امتداد دو محور شطرنجی قرار می‌گیرند و زاویه‌هایی نسبت به‌هم تشکیل می‌دهند که قائمه یعنی برابر ۹۰ درجه می‌باشند. در خط معقّلی نیز به‌همین طریق عمل می‌شود، که این خط را به‌نام معقّلی معروف کرده است.

معقّلی بر سه قسم است: معقّلی یك رگی، معقّلی سه رگی و معقّلی کشیده‌ی متن. خط معقّلی یك رگی: زمینه‌ی شکل هندسی را نسبت به شکل یا نوشته‌ی دلخواه به‌طریقه‌ی مربع قناس جدول‌بندی می‌کنیم (در جدول‌بندی ساده، خطوط شطرنجی نسبت به‌اضلاع افقی و عمودی پیرامون موازی‌اند ولی در مربع قناس، قطر مربع‌ها نسبت به خطوط محیطی عمود می‌باشند). خط معقّلی را در زمینه شطرنجی مربع قناس، مانند خطوط ساده‌یی که گفته شد منتهی با تفاوت اینکه رأس مربع‌ها در امتداد یکدیگر می‌باشند می‌نویسیم.



خط معقّلی سه‌رگی: دراین‌شیوه مانند بالا روی جدول مربع‌قناس عمل می‌شود، با این تفاوت‌که ضخامت خط از سه رشته مربع‌های قناس مجاور تشکیل یافته، که مربع‌های وسط به یك‌رنگ و مربع‌های قناس طرفین به‌رنگی‌دیگر جلوه‌گر می‌شوند؛ فی‌المثل، مربع قناس‌های میانی، که رئوس آنها در امتداد یکدیگر قرار می‌گیرند، به رنگ فیروزه‌یی، و دوردیف مربع‌های طرفین، که رئوس آنها نیز دنبال یکدیگر واقع می‌شوند، به رنگ مشکی، به‌طوری که رنگ فیروزه‌یی در رنگ مشکی محاط شود.

خط معقّلی کشیده‌ی متن: معقّلی کشیده‌ی متن، مانند دوشیوه‌ی بالا، روی مربع قناس انجام می‌گیرد، لیکن سه مربع را در امتداد یکدیگر به‌هم وصل می‌کنند، به‌طوری که از ادامه‌ی آن پیچشی در خط نمایان می‌شود. زاویه‌ها قائمه هستند و نوشته همواره به‌طرفی مایل است.

از این خط در مسجد جامع اصفهان و درمعقّلی‌های مسجد گوهرشاد

مشهد و مقبره‌ی شیخ جامی ومقبره‌ی شیخ‌زین‌الدین در تایباد و مقبره‌ی خواجه عبداله انصاری در هرات دیده می‌شود.

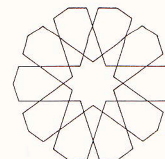
همان‌طور که در شرح کاشی‌کاری آمد، پس از اینکه خط روی کاغذ نوشته شد و کلمات درجای خود مستقر گردیدند، از نوشته در جهت عکس (از چپ به راست) چربه برداری (کپی) می‌شود.

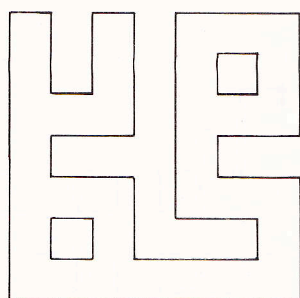
ابتدا روی زمین، در محلی که کاشی‌های تراشیده باید جمع‌آوری شوند، تخمیری صیقلی می‌سازند که نسبت به موقعیت محل اجرا مسطح یا قوسی‌ست. نسخه‌ی معکوس را برآن می‌چسبانند، یا اینکه نوشته را، به‌همان صورت معکوس، روی تخمیر می‌نویسند. سپس کاشی‌های تراشیده را، که معمولا به دورنگ هستند (یك رنگ برای نوشته‌ها و رنگ دیگر برای زمینه) پهلوی یکدیگر قرار می‌دهند.

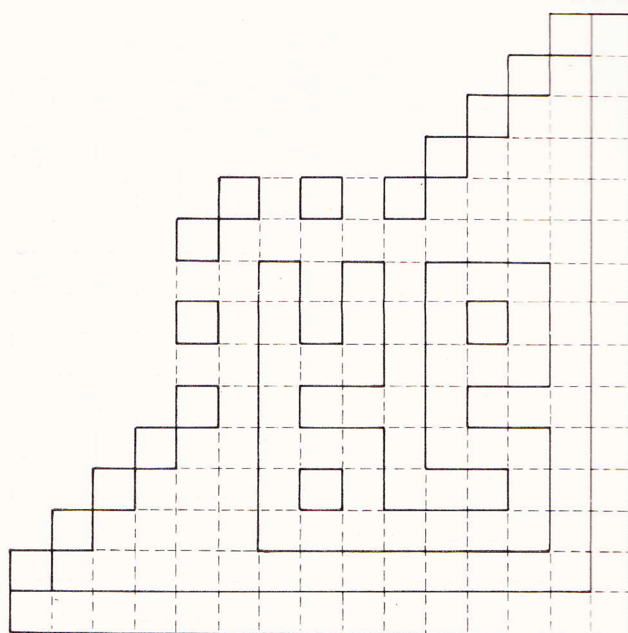
در خط ساقه گنبدی یا معقّلی، شمار رنگ‌ها می‌تواند به سه یا بیشتر برسد، چون نوشته‌ی معقّلی سه‌رگی از دورنگ تشکیل می‌شود و یك رنگ نیز به‌زمینه اختصاص می‌یابد. در خط ساقه گنبدی، همچنان که گفتیم، به‌جز نوشته‌ی اصلی، کلمات مقدسی نیز به‌رنگی دیگر بر زمینه‌ی کار جلوه‌گر می‌شوند. پس از اینکه کاشی‌های تراشیده روی تخمیر چیده شدند (به‌طوری که لعاب در زیر و پشت کاشی به طرف بالا باشد)، آنها را با ریختن ملاطی مانند ملاط گچ یا ملاط ماسه و سیمان به‌شکل پارچه درمی‌آورند. پس از آنکه ملاط، خود را گرفت، پارچه را به‌محل کار انتقال می‌دهند و درجای خود نصب می‌کنند. در این هنگام نوشته در جهت مستقیم قرار می‌گیرد و خواندن آن میسر می‌شود.

در بعضی مواقع دو نوشته از یك آیه یا سوره بردو دیوار مقابل هم قرار می‌گیرند، به‌طوری که یکی از راست خوانده می‌شود و دیگری از چپ. در اینجا نوشته‌ی دوم از چپ خوانده می‌شود و قرینه‌ی اولی‌ست. اینگونه نوشته‌ها به‌خط آینه‌یی معروفند. در عکس‌زیر می‌توان نمونه‌یی از آن را مشاهده کرد، که در ایوان غربی مسجد جامع اصفهان بر دو دیوار مقابل یکدیگر اجرا شده است.

نصب پارچه‌ها در محل کار با ملاطی مشابه ملاط قبلی صورت می‌گیرد، که پارچه‌ها را به‌آجرهای سطح مورد نظر بچسباند.

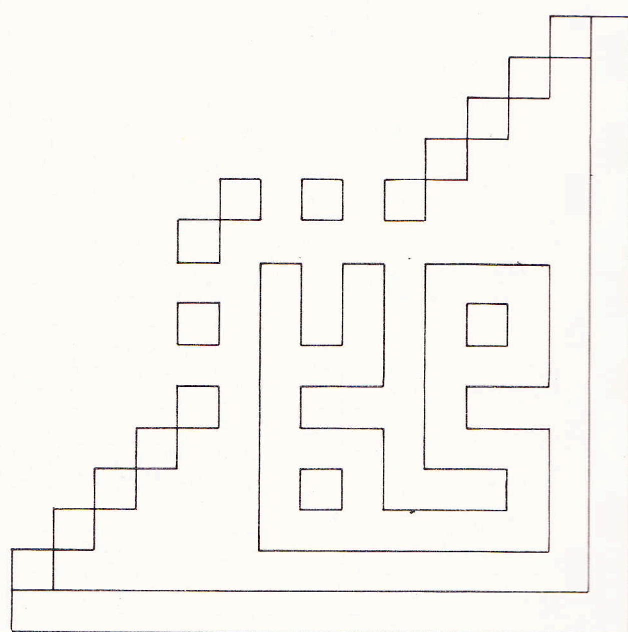




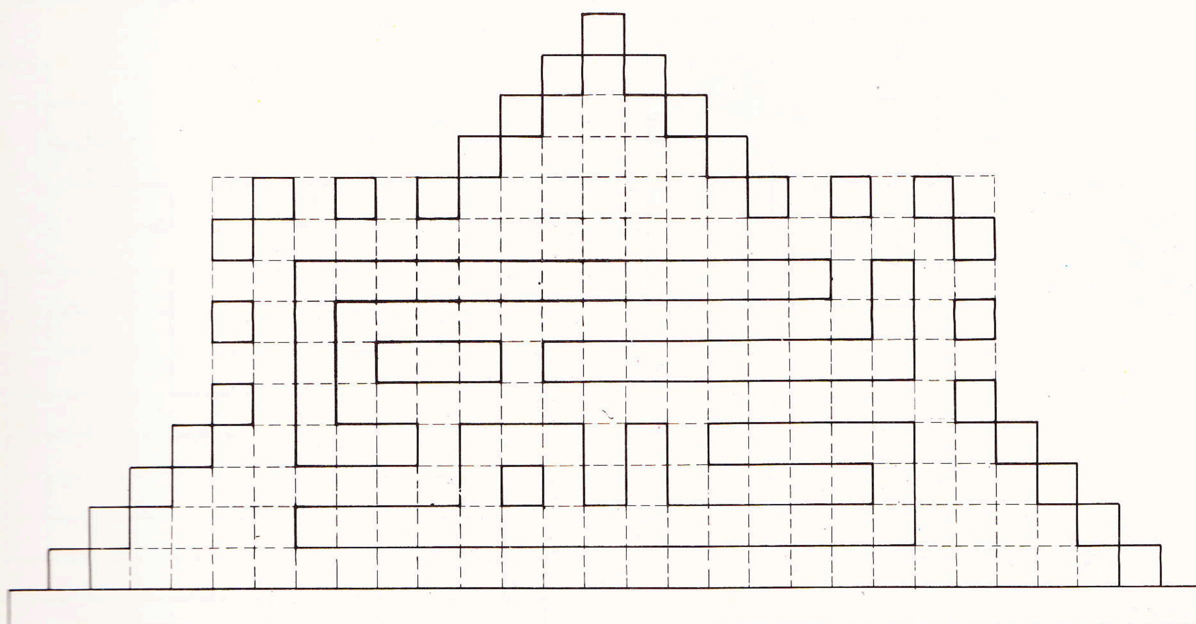


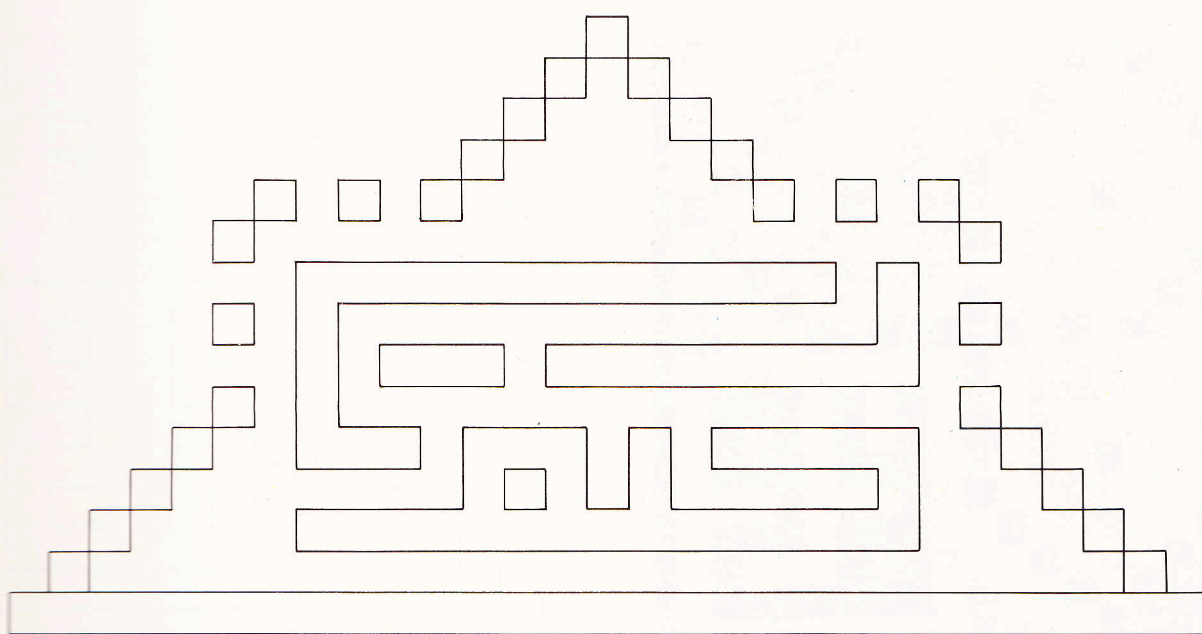
محمّد



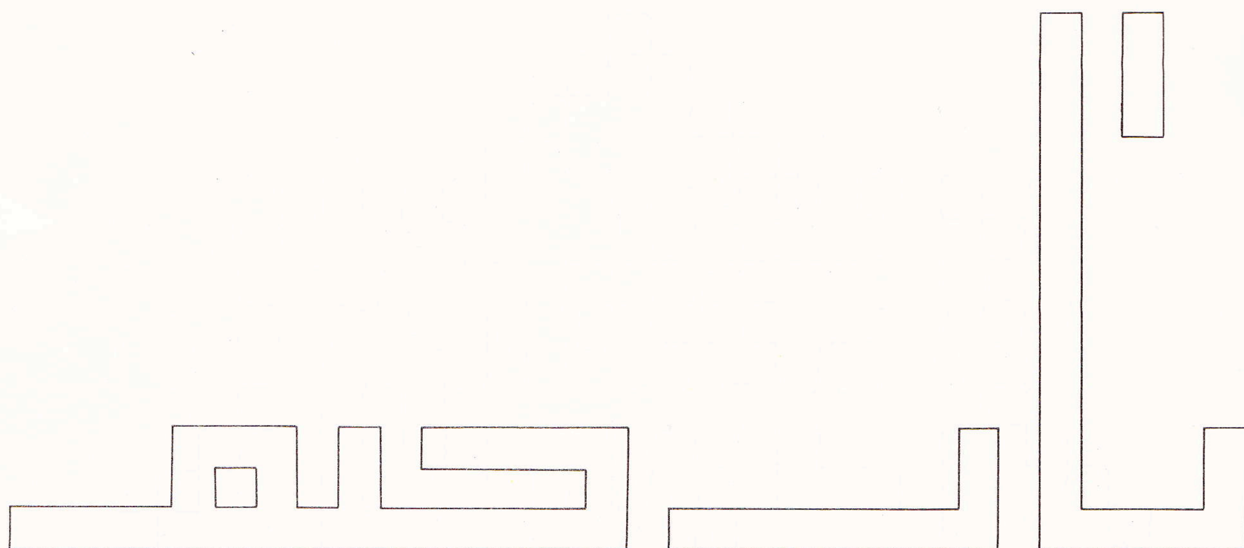


اصفهان: مدرسه‌ی چهارباغ



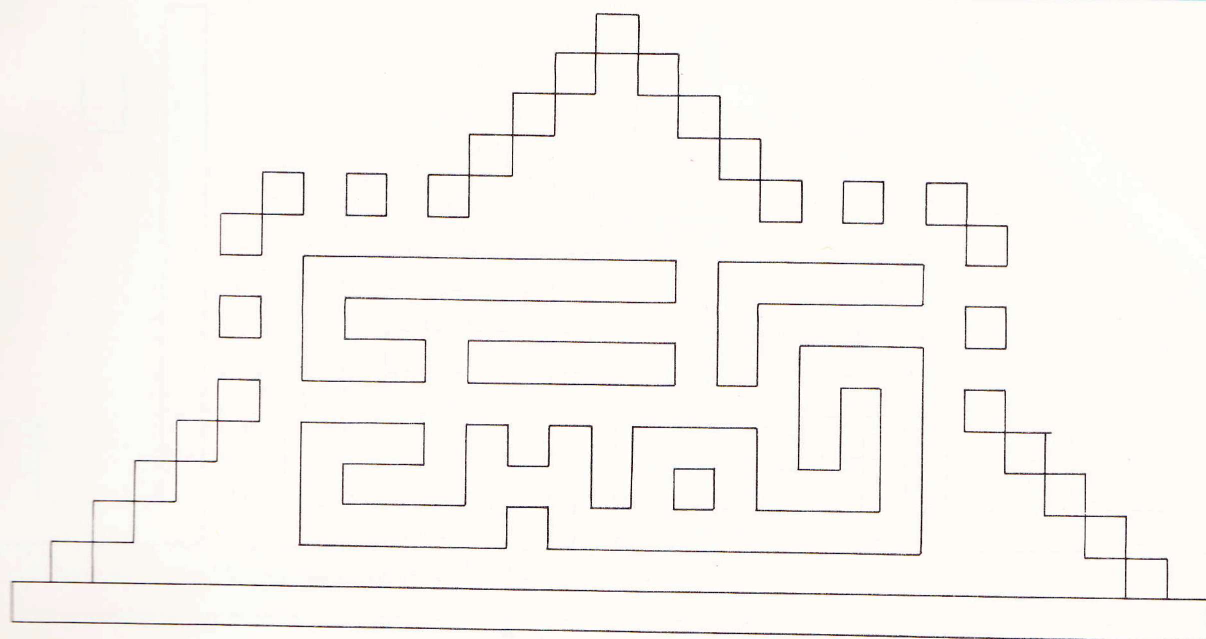


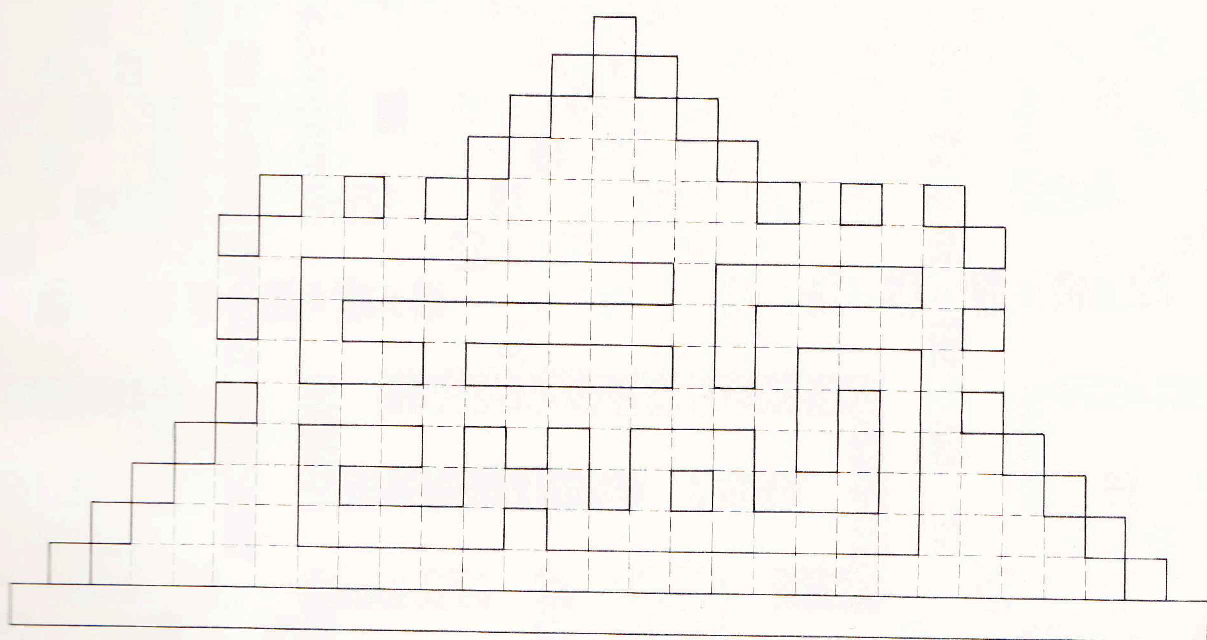
اصفهان: مدرسه‌ی چهارباغ



یا رحیم

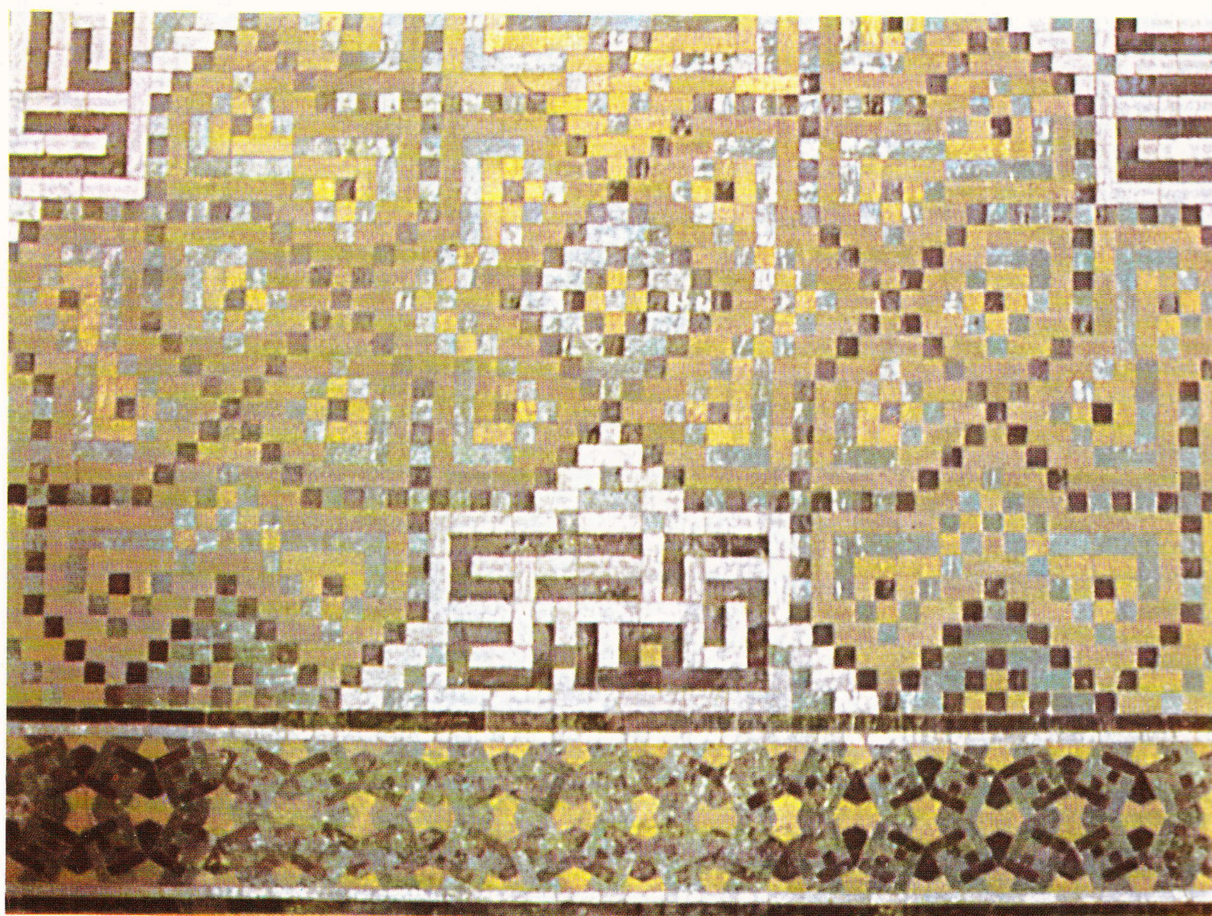


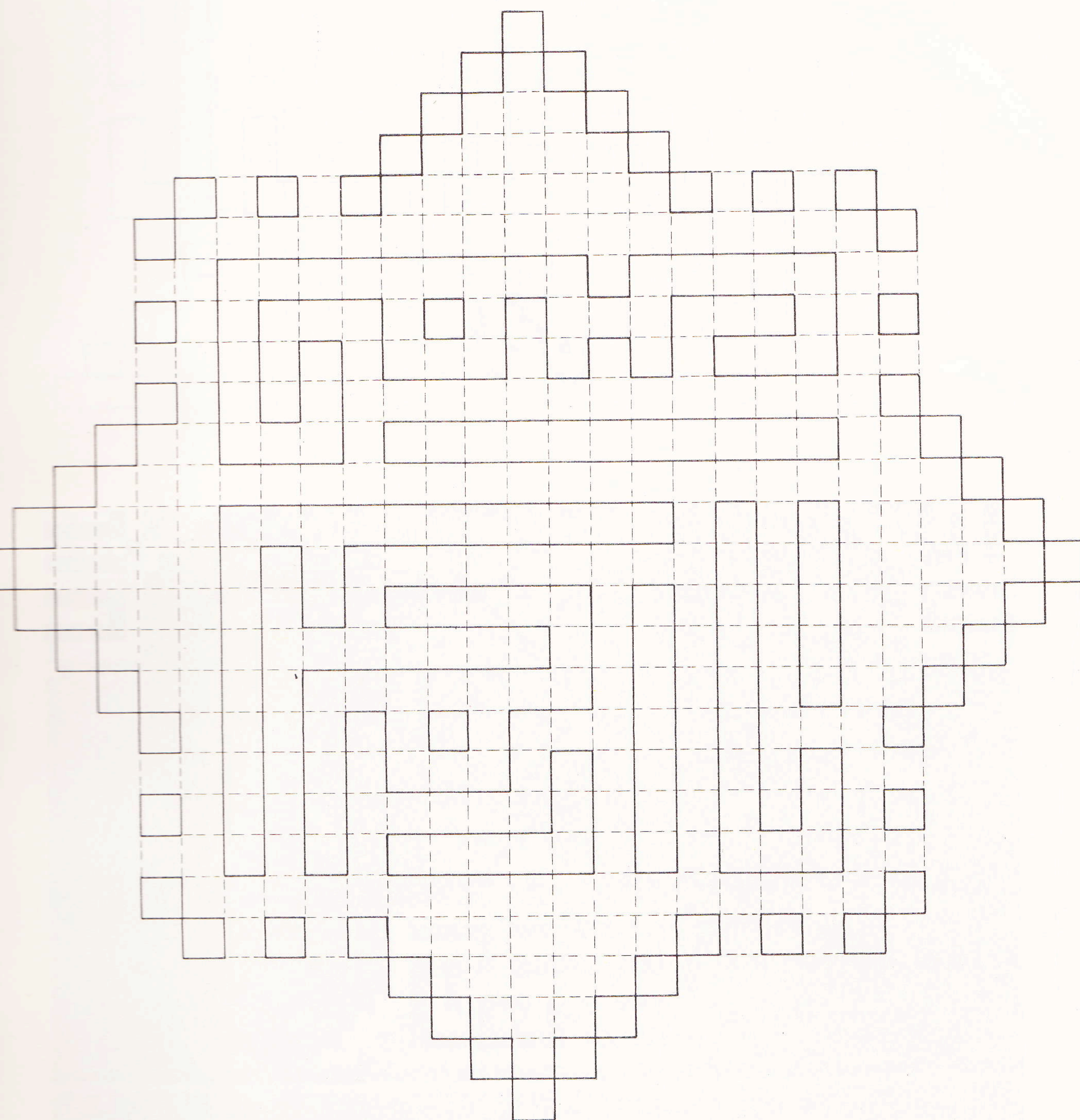


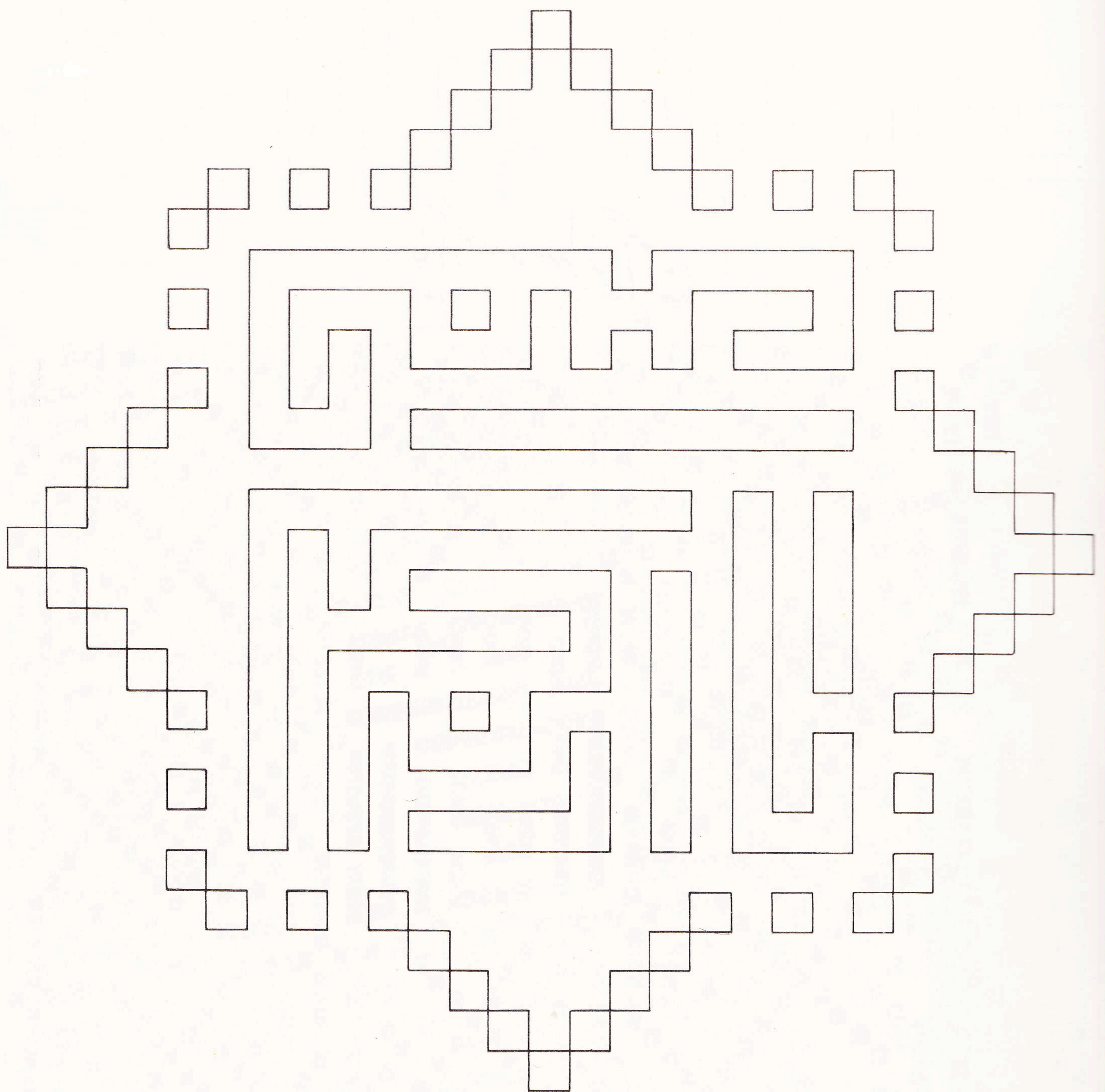


اصفهان: مدرسه‌ی چهارباغ ◄

یا رحمن







یا ارحم الرّاحمین

